

کتاب ماه تاریخ و جغرافیا « اسفند ۱۳۸۰ - شماره ۵۳

محمد حسن رازنهان

نقد و بررسی کتاب تاریخ عالم آرای عباسی در نگاهی به چاپ جدید آن

تاریخ عالم آرای عباسی

تألیف: اسکندر بیک منشی

تصحیح: دکتر محمد اسماعیل رضوانی

ناشر: دنیای کتاب، تهران، ۱۳۷۷

مقدمه

درباره ادبیات ایران در دوره صفوی، به ویژه آن بخش که به معنی خاص ادب (نظم و نثر) این دوره تلقی می‌گردد، هنوز راه بحث و گفت‌وگو گشوده است و انشاء حکم واحد در این موضوع با مقاومت‌هایی روبرو بوده است. اما این مسأله در مورد بخشی از ادبیات یعنی ادبیات تاریخی از روزگار کمتر قابل تعمیم است.

تاریخ‌نگاری (ادبیات تاریخی) دوران حاکمیت سلسله صفوی از تنوع و گستردگی خاصی برخوردار است و نسبت به ادوار گذشته به لحاظ تعداد، شیوه تاریخ‌نگاری و قلمروهای مورد بررسی تغییر قابل توجهی را نشان می‌دهد. در این دوره گذشته از منابعی که توسط وقایع‌نگاران صفوی به رشته نگارش درآمده، سفرنامه‌های زیادی از سیاحان و نمایندگان سیاسی و مذهبی دول اروپایی نیز بجای مانده که درخور بررسی و تأمل است.

همچنین منابع تاریخی داخلی با نام‌گذاری‌هایی نظیر «جهانگشا»، «عالم آرا»، «روزنامه»، «قصص»، «دستور»، «فواید»، «تکمله» و «احسن» (برگزیده) و عناوین دیگر به رشته نگارش درآمده است که انتخاب این نام‌ها بعضاً نشانه اهتمام مورخان نسبت به قلمرو تاریخی مورد علاقه خودشان است. از میان این‌گونه آثار منابعی که نام عالم‌آرا بر آنان نهاده‌اند، از نظر محتوی و شمول مباحث تاریخی به وقایع‌نگاری دوران حاکمیت یکی از سلاطین صفوی اختصاص یافته است. از میان این آثار و به عنوان برجسته‌ترین نمونه از این نوع، می‌توان از کتاب تاریخ عالم آرای عباسی یاد کرد. ۲.

۱- معرفی نویسنده و کتاب او:

اسکندربیک که به سبب اشتغال به منشیگری، به اسکندربیک منشی شهرت یافته است، ۳ در سال ۹۶۸ ه. ق یعنی دوران حکومت شاه صفی، درگذشت. هرچند به نسبت ترکمان که نشاندهنده تعلق وی به ایل ترکمان است در مقدمه کتاب توسط وی اشاره نشده است، ولی به دلایل نامعلومی، این عنوان رواج یافته است به گونه‌ی که وی را با عنوان اسکندربیک ترکمان نیز می‌شناسند. ۴

براساس مطالبی که در مقدمه کتاب توسط اسکندربیک اشاره شد، وی در آغاز جوانی به کسب علوم رایج پرداخت. اما به اغوای دوستان خود به علم سیاق روی آورد و مدتی به سیاق مشغول گشت، و در این فن به مراتب کمال دست یافت. اما این «شغل خسیس» را کنار نهاد و با توجه به بهره‌ای که از علم انشاء داشت در سلک منشیان درگاه درآمد و در حدود سنوات ۹۹۲ و ۹۹۳ ه. در عهد حکومت سلطان محمد خدابنده به خدمت دیوان منصوب گشت و در سال ۹۹۵ در سن ۲۶ سالگی به خدمت سپاهیگری در خطه عراق مأمور شد و مجدداً در آغاز حکومت شاه عباس در سال ۱۰۰۱ ه. در سلک منشیان در دار الانشاء و ملازمت دائم و سمت منشی خاصه شاه عباس درآمد.

در این دوران هرگاه فرصتی می‌جست به مطالعه کتب سیر و اخبار پرداخته و سرانجام به تسویه «احوال گرامی» شاه عباس تصمیم گرفت. وی به سال ۱۰۲۵ ه. تاریخ عالم آرای عباسی را به کتابت درآورد. با مرگ شاه عباس اول در سال ۱۰۳۸ ه. بعد از «مراسم تلافی و تحسین مشفقانه» (ظاهراً در حضور شاه صفی) به دستور وی «وقایع زمان... این پادشاه و الاجاه... به دستور در سلک تحریر درآورده، نگاشته قلم عنبرین رقم گردانید.» ۶ و بدین ترتیب دومین اثر خود

یعنی ذیل عالم آرای عباسی را پدید آورد که در اثر وفاتش ناتمام ماند. بعدها محمد یوسف، از وقایع‌نگاران دوران شاه صفی وقایع را از سال ۱۰۴۳ هـ. دنیال و کار وی را تکمیل نمود.

این اثر در سال ۱۳۱۷ توسط مرحوم احمد سهیلی خوانساری تصحیح و منتشر گردید. علاوه بر عالم‌آرا، مجموعه‌ای از مکاتیب و منشآت دیوانی به قلم اسکندریک و تحت عنوان کتاب ترسل من منشآت خواجه اسکندریک منشی در کتابخانه لیدن هلند، به شرحی که استوری می‌نویسد، موجود است. این مجموعه تاکنون به صورت نسخه خطی باقی مانده است.

۲- محتویات کتاب:

تاریخ عالم‌آرای را می‌توان یک تاریخ دودمانی وقایع‌نگاشتی دانست که براساس سال شماری گزارش سالهای متوالی حکومت شاه عباس در سه جلد از سوی مؤلف تنظیم و تیوب شده است. جلد نخست با بیان سیری مختصر از ذکر آباء و اجداد و نسب صفویان شروع و با ذکر مهم‌ترین حوادث سال‌های حکومت شاه اسماعیلی تهماسب، اسماعیل دوم و سلطان محمد خدابنده ادامه می‌یابد. جلد دوم به حوادث دوران حکومت شاه عباس (قرن اول حکومت ۲۵-ساله ال حکومت او را قرن می‌نامند) اختصاص یافته و در جلد سوم به وقایع‌نگاری باقی‌مانده دوران حکومت شاه عباس اول پرداخته شده است. اسکندریک هریک از جلدهای کتاب خود را با مقدمه‌ای آغاز می‌کند که از نظر محتوا و مضمون مشابه یکدیگر است و به توصیف مبالغه‌آمیز شاه عباس صفوی با برشمردن القاب گوناگون برای او، تعارف و شکسته نفسی درباره «مسوده» خود می‌پردازد.

وی با معرفی اجمالی مشاهیر متوفی در هر سال و همچنین ذکر طبقه شعرا، مطربان و اهل نغمه، نقاشان، خوشنویسان و صاحب‌منصبان نظامی و اداری در پایان جلد اول و سوم علاقه خود را به تاریخ اجتماعی و فرهنگی و تحولات ساختاری دیوانسالاری نشان می‌دهد.

از کتاب تاریخ عالم‌آرای عباسی طی دهه‌های گذشته چاپ‌های چندی به بازار نشر عرضه شده است. نخستین آن توسط میرزا محمود کتابفروش خوانساری در سال ۱۲۸۰ ش و به صورت سنگی است. بار دیگر در سال ۱۳۳۵ هـ. ش مؤسسه مطبوعاتی امیر کبیر مبادرت به چاپ جدیدی از کتاب نمود که تهیه فهرست اعلام کتاب با توجه به توضیحاتی که محقق محترم آقای ایرج افشار در مقدمه کتاب آورده‌اند به ایشان واگذار گردید. این چاپ بار دیگر در سال ۱۳۵۰ هـ. ش تجدید و به بازار نشر عرضه گردید.

طی دهه شصت و در سال ۱۳۶۴ در آشفته بازار کتاب، چاپی به صورت افست از روی نسخه سنگی پیشین توسط انتشارات طلوع و سیروس منتشر گشت و سرانجام در سال ۱۳۷۷ چاپ مرحوم دکتر اسماعیل رضوانی به علاقه‌مندان عرضه گردید. تصحیح این اثر که سال‌ها پیش از سوی انتشارات دنیای کتاب به مرحوم استاد رضوانی پیشنهاد شده بود با اهتمام ایشان در سه جلد و براساس نسخه چاپ سنگی و مقابله با نسخ دیگر مانند نسخه آقایان دکتر علی اصغر مهدوی و علی اصغر حکمت انجام گردید. البته این چاپ تنها به ذکر مهم‌ترین اختلافات نسخه‌های موجود بسنده کرده و به این ترتیب از ذکر تمام اختلافات موجود در نسخه‌ها فروگذار نموده است.

۳- نقد و بررسی:

۱- قبل از هر چیز باید گفت چاپ اخیر، اولین تصحیح نسبتاً انتقادی^۹ از کتاب است که سالها بعد از چاپ اول به همت استاد رضوانی انجام گردید. این اقدام با توجه به شرایط جسمانی ایشان در سال‌های پایان زندگی از هر جهت قابل تحسین است زیرا چاپ‌های گذشته، بدون مقابله نسخ مختلف و فقط با تصحیح بعضی از اعلام کتاب در فهرست اعلام توسط آقای ایرج افشار در اختیار علاقه‌مندان به این کتاب قرار گرفته بود.

۲- استخراج فهرست اعلام برای هریک از جلدهای کتاب نیز از مزیت‌های دیگر چاپ اخیر است. گرچه در چاپ پیشین نیز فهرست اعلام با دقت فراوان و بی‌نظیری در اختیار محققان قرار گرفته بود ولی به دلیل تعداد انبوه بعضی از اعلام در نسخ تاریخی که در صفحات متعدد درج می‌گردد، آدرس و مشخصات کامل تمام اعلام اعم از اشخاص، مکان‌ها و... میسر نبوده و لذا جهت جستجوی اطلاعات مربوط به اعلام کتاب نارسایی‌هایی پدید می‌آید. اما چاپ اخیر در هر سه جلد دارای فهرست اعلام است و از این جهت کمک بزرگی به جستجوی اطلاعات در متن می‌نماید.

۳- نقد متن شناختی مرحوم رضوانی که در آغاز جلد اول و در ۳۶ صفحه آمده است، نشان‌دهنده دقت نظر ایشان به امتیازات کتاب است که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

الف: اعتبار تاریخ عالم‌آرا و مستندات آن را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد.

۱) اگر خودش در واقعه‌ای حاضر و ناظر بوده، یادآوری کرده است ۱۰

۲) اگر خودش در واقعه‌یی حضور نداشته ناچار به افرادی رجوع کرده که خود در معرکه حضور داشته‌اند. چنین به نظر می‌رسد که با آوردن عباراتی ماهیت روایت را که تا چه حد مورد اعتماد است، روشن ساخته است. (استماع نمودن-تقریر کردن-تصدیق کردن، توانر) ۱۱

۳) در جلد اول و در بیان حالات شیخ صفی و خاندان او ناچار به کتاب‌ها و نوشته‌های گذشتگان مراجعه کرده و همه‌جا این نکته را تذکر داده است. ۱۲

ب: تاریخ عالم‌آرا یک تاریخ جهانی است. وی تاریخچه هر قوم و ملتی را که در سلطنت صفویه و بخصوص شاه عباس ارتباطی با ایران پیدا کرده‌اند به نحو اختصار و گاهی به تفصیل تحریر کرده است.

ج: بکارگیری تقویم شمعی: تاریخ عالم‌آرا تنها امتیازی که دارد این است که سال شمسی را اساس قرار داده است. تأسف در این است که این روش را دقیقاً تعقیب نکرده است. مثلاً از سال ۹۸۹ هـ.ق که سال جلوس شاه عباس در خراسان است تا سال ۹۹۶ هـ.ق که جلوس وی بر تخت سلطنت است، سال‌ها را تعیین نکرده و حوادث این هفت سال را پشت‌سرهم یک‌جا آورده است.

۴- مطالب کتاب تاریخ عالم‌آرای عباسی را با رهیافت‌های نقد صورتگرایی نیز می‌توان مورد بررسی قرار داد. در این نوع نقد که معیارهایی نظیر انسجام، هماهنگی و درخشش مورد توجه قرار می‌گیرد به خوبی و به میزان قابل توجهی در این متن قابل مشاهده است. کتاب از یک کلیت در سایه وحدتی موضوعی برخوردار است. مؤلف در بیان هر واقعه‌ای قابل به آغاز، میانه و پایان است. برای نمونه مطالبی که درباره جلالیان بیان می‌دارد علی‌رغم آنکه گوشه‌هایی از حوادث مربوط به این گروه را در صفحات پیشین متذکر گردیده، بر طرح موضوع به صورت مستقل و با رعایت طرح مسایل مقدماتی، میانی و پایانی توجه دارد. همینطور در شرح وقایع فتح بغداد و بسیاری جاهای دیگر، ۱۳

موضوع هماهنگی نیز به دلیل رعایت یکپارچگی و تناسب مورد توجه اسکندر بیگ قرار داشته است. توضیحاتی که درباره اجزاء یک موضوع کلی تاریخی ارائه می‌کند از نظر حجم مطالب تناسبی قابل توجه دارد و در اغلب موارد خواننده را نسبت به این موضوعات از آگاهی‌های بسنده و کافی برخوردار می‌کند. ۱۴ همچنین درخشش متن بر اثر ارائه توانایی و قابلیت وی در طرح موضوعات مختلف قابل دریافت است. با تأمل در اثر می‌توان دریافت که مؤلف قابلیت خود را در ارائه چنین موضوعی به منصف ظهور می‌رساند.

۵- ویژگی دیگر تاریخ عالم‌آرا پیوند بارز مطالب کتاب و رویدادهای تاریخی عصر او است. به عبارت دیگر نوشته‌ی وی بازتاب دقیق روزگار و زندگی او است. آنچه وی از رقابت‌ها و دسته‌بندی ایلات موجود در روزگار خود ارائه می‌دهد، به خوبی نشانگر تصویر یک جامعه ایلی است و آنچه بر احوال مردم آن روزگار از قبل این جریان‌ها گذشته است.

۶- اشاره به بعضی از نارسایی‌ها و کاستی‌ها به منظور برطرف ساختن آنها در چاپ‌های بعدی ضرورت دارد:

اعلام‌نویسان چاپ جدید در درج اعلام مکان، اشخاص، مناصب و مشاغل دچار لغزش‌های چندی شده‌اند که برای نمونه به آنها اشاره می‌شود:

اعلام مکان: بابا الیاس (اعلام شخص)، بیشه‌هیجا (اسم معنی)، آغچه قوینلو (نام تیره‌پی از ایل) تلیم سلطان (نام شخص)

اعلام مناصب و مشاغل: آغرق (خیمه‌هایی که وسایل سنگین و زنان و فرزندان را در آن می‌گذاشتند) برانغار (جناح راست سپاه) جوانغار (جناح چپ سپاه) احشامات (اسم جمع چشم)

اعلام طوایف: ائقال (جمع ثقل)، اوانی (جمع آینه، ظرف‌ها) احمال، الحاد و...

صفحه‌بندی کتاب و رعایت علامات سجاوندی: گذشته از بی‌نظمی‌هایی که در اندازه فواصل سطور کتاب دیده می‌شود، ناشر محترم، عنایت چندانی به اصول نگارش زبان معاصر، رعایت علامات و نشانه‌های نگارشی، تنظیم صفحات

کتاب به پاراگراف‌های مناسب نداشته و تقریباً در تمام سه جلد در این امور غفلت شده است. این موضوع به‌ویژه در مقایسه با چاپ آقای ایرج افشار کاملاً مشهود است.

چگونگی تصحیح: در این کتاب هرچند در امر تصحیح توجه قابل ملاحظه‌ای مشاهده می‌شود، اما می‌توان گفت علاوه بر اغلاط تایپی به تصحیح کامل یعنی مقابله و ذکر اختلاف نسخ در تمام صفحات کمتر توجه شده است. برای نمونه فقط به برخی از اغلاط تایپی جلد سوم کتاب اشاره می‌رود:

ص ۱۵۱۷، س ۱۹ و جاهای دیگر فسق-مسق رجوع کنید به نظام ایالات در دوره صفویه صفحات ۱۲۷، ۱۱۳، ۱۱۲.

ص ۱۵۲۷، س ۸ شهره زور-شهره زول (شهرزور) شرفنامه بدلیسی، ص ۵۲۸.

ص ۱۵۴۳ س ۲ فرافروم-قراقروم

ص ۱۵۴۹ س ۱۴ مه‌ور-ممه‌ور

ص ۱۵۵۰ سطر ۱۷ حفظ آلهی-جمله روشن نیست

ص ۱۵۶۳ سطر ۱۹ آت متین خاصه-آت مین خاصه شریفه

ص ۱۵۷۲ سطر ۱۰ سادات مراغشه-سادات مراغشه

ص ۱۶۰۳ سطر ۱۱ الراقمه-لراقمه

ص ۱۶۱۸ سطر ۹ عیان-عنان

ص ۱۶۷۰ سطر ۳ سفیر-صفیر

ص ۱۶۸۱ سطر ۴ الوش-الوس

ص ۱۷۱۶ سطر ۱۱ بلبلان-بلیلان

ص ۱۸۰۶ سطر ۱۶ مرء-امراء

پی‌نوشت‌ها: ۴۸

(۱)- سیوری، راجر: ایران عصر صفوی، ترجمه کامبیز عزیزی، چاپ پنجم، تهران، ۱۳۷۶، ص ۲۰۱-۲۱۳.

(۲)- منشی، اسکندر بیک: تاریخ عالم‌آرای عباسی، تصحیح ایرج افشار، تهران، چاپ دوم، ۱۳۵۰، ص ۳ مقدمه. وی در بیان علاقه خود به تاریخ معاصر چنین می‌نویسد: «خاصه احوالی که قریب العهد باشد، رغبت تمام هست و عرصه سنخوران فراخی دارد.»

(۳)- همان منبع، ص یک.

(۴)- در پشت جلد چاپ افشار وی را اسکندر بیک ترکمان معرفی می‌کند و در جاهای دیگر.

(۵)- همان منبع، ص یک مقدمه.

(۶)- اسکندر بیک منشی و محمد یوسف: ذیل تازی عالم‌آرای عباسی، احمد سهیلی خوانساری، کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۱۷، ص ۴.

(۷)- اسکندر بیک منشی، صفحه یک مقدمه مصحح.

(۸)- همان منبع، ص ۳-۵.

(۹) اسکندر بیک منشی، پیشین، تصحیح مرحوم رضوانی، مقدمه مصحح: همانگونه که ایشان گفته‌اند تنها به ذکر مهم‌ترین اختلافات نسخه‌های موجود بسنده شده است. همچنین به نظر می‌رسد با توجه به اهمیت مطالب مطروحه در کتاب ضرورت داشت مصحح محترم شرح و توضیحات و تعلیقاتی بر متن تصحیح شده بیافزاید.

(۱۰)- همان منبع، صفحات ۱۵۵۱، ۱۱۳۹، ۴۹۰، ۴۱۵.

(۱۱)- همان منبع، صفحات ۹۱۹، ۷۶۹، ۶۶۳، ۳۵۴، ۱۶۹۴.

(۱۲)- همان منبع، صفحات ۱۸۲۲، ۱۸۰۱، ۱۱۰۹، ۲۸ وی در صفحه ۴ می‌نویسد: «آنچه بر آن اطلاعی نداشتم ضروره به اقوال ناقلان اعتماد نموده، بی‌تکلفات منشیانه به رشته تحریر کشیدم.»

(۱۳)- همان منبع، چاپ افشار، برا موضوع جلالیان صفحات ۷۶۵-۷۷۷ و بیان فتح بغداد صفحات ۱۰۴۳-۱۰۵۸.

(۱۴)- همان منبع، ص ۴۶۱ ذکر عصیان و طغیان لیلانیان، ص ۵۶۴ آغاز داستان فتح خراسان، ص ۲۸۶ ذکر کشته شدن میرزا سلمان، ص ۶۶۰ ذکر آمدن ازون احمد، ذکر قضایای گرجستان و شیروان ص ۶۷۹، ص ۸۷۹ ذکر طغیان محبوسان قلعه قهقهه، ص ۸۸۹ ذکر استیلای اکراد برادوست بر سر قلعه دمدم، ص ۹۷۰ گفتار در فتح و تسخیر مملکت بهجت فزای قندهار، و بسیاری جاهای دیگر.